

در بیان تعریف هبه

هبه - عقد - تمليك مالی است بديگری مجاناً - و شخص تمليك كنده را واهب - و طرف را متهب - و مال مورد هبه را عين موهوبه نامند و عقد هبه بايجاب و قبول و قبض عين موهوبه تمام ميشود .

مراد از ايجاب انشاء تمليك است بلفظ يا عملی كه دلالت بر تمليك مال نمايد بطرف ديگر مجاناً - و هرچه از قبيل لباس و زينت آلائی كه زوج و اكنار بزوجه می نمايد بدون ذكر لفظي حاكي از هبه باو ميشود و همچنين فرستادن شيئي برای ديگری پس از قبض او در حكم ايجاب و قبول لفظی است - و ايجاب واهب دلالت بر اذن بقبض متهب عين موهوبه را خواهد داشت .

و هرگاه واهب صراحتاً بمتهب اذن دهد باین نحو كه بگير اين مال را و من هبه كردم آن را بتو عقد هبه تمام ميشود .

و همچنين است اگر عين موهوبه در مجلس عقدهبه موجود نباشد باین ترتيب كه واهب بگويد فلان مال و يا قسمتي از دارائی خود را بتو هبه نمودم و مجاز در گرفتن آن ميشود دلالت بر صحت وقوع هبه دارد .

و گفته اند ركن صحت هبه اذن صريح واهب بقبض موهوبه است و پس از دادن اجازه صريح بقبض آن شخص متهب ميتواند در مجلس عقد هبه موهوبه را قبض و يا بعد از افتراق قبض نمايد .

ولی اگر اذن واهب بقبض موهوبه دلالت صريح داشته باشد كه متهب در مجلس عقد هبه قبض نمايد در اينصورت قبض بعد از افتراق را كافی نميدانند و بعض علماء حقوق قائلند باینكه اگر واهب بگويد فلان مال خود را كه در فلان شهر و يا در فلان قريه و آبادی است بتو هبه نمودم و اجازه صريح بقبض موهوبه بمتهب ندهد و متهب برود و موهوبه را قبض نمايد صحيح نخواهد بود .

و بعضی گفته اند كه خريدار ميتواند قبل از قبض

مبيع از فروشنده آنرا هبه كند - و هر گاه شخص مال خود را كه در دست ديگری است باو هبه كند عقد هبه تمام است و احتياجي به تسليم مال و قبض ثانوی متهب نخواهد داشت .

و همچنين است کسی كه طلب خود را بمدیون هبه نمايد و ذمه او را مبری سازد هبه صحيح بوده و ذمه مدیون از دين بری و ساقط میگردد .

و نیز داین ميتواند طلب خود را بشخص ثالثی هبه كند و باو اجازه گرفتن دهد ولي در اينصورت تمام شدن عقد هبه و صحت آن منوط بقبض نمودن متهب است عين موهوبه را

و هر گاه قبل از قبض واهب و يا متهب فوت نمايند هبه را باطل دانسته اند و بعد از قبض رجوع را ممكن نميدانند .

و اگر احياناً پدر قسمتي از دارائی خود را بفرزند بالتم و رشيد خود هبه نمود ملازم به تسليم موهوبه می باشد .

و همچنين اگر وصی يا ولي طفل مالی را بصغيرش هبه نمود بدون قبض صغير را مالك دانسته اند .

و هرگاه شخص ثالثی مالی را بصغيری هبه نمود صحت و اتمام هبه را بقبض ولي يا قيم دانسته اند - و بعضی از حقوقيون قائلند باینكه مربي طفل صغير نیز چنانچه قبض نمايد هبه صحيح خواهد بود - و نیز گفته اند اگر هبه بصغير ممیزی بشود بقبض او هبه تمام ميشود و محتاج به قبض ولي و يا قيم قانونی او نيست و قول مزبور هوجه بنظر نميرسد زیرا بر طبق قانون صحت افعال و اعمال صغير ولو ممیز باشد منوط با اجازه ولي يا قيم قانونی است .

و چنانچه واهب بگويد در اول ماه آینده فلان شيئي را بتو هبه نمودم صحيح نخواهد بود .

و هبه بشرط عوض را نیز صحيح و معتبر شناخته اند

لازم نیست بالغ و عاقل کامل باشد و هبه بضعیر و بمجنون و سفیه صحیح است.
رضاء و اهب شرط صحت است و هبه با جبار و اکراه صحیح نیست.

احکام هبه

واهب میتواند بموهوبه رجوع نماید ولو اینکه متهب رضایت نداشته باشد - اگرچه بعد از قبض دادن باو باشد - و هرگاه و اهب با رضایت متهب رجوع نمود و متهب از دسترد داشتن موهوبه خود داری کرد و اهب میتواند بها کم برای استرداد موهوبه رجوع نماید.

در هبه با اولاد یا برادر و یا بخوهر و یا بعمو و یا بعمه و زن و شوهر رجوع جایز نیست -

در هبه با عوض یا موردیکه عین موهوبه را متهب تغییر داده باشد مثل اینکه گندم را آرد نموده رجوع جایز نیست مگر با رضایت متهب - و همچنین است اگر متهب پس از قبض گرفتن موهوبه را فروخت و یا بنحوی از انحاء از ملکیت خود خارج کرده باشد یا تلف و یا مفقود گردد یا متهب فوت نماید در اینصورت و اهب حق استرداد موهوبه را نخواهند داشت و مالی که در راه خدا بعنوان صدقه و خیرات بفقراء داده میشود بعد از قبض رجوع آنرا صحیح نمیدانند.

هرگاه شخص بدیگری اجازه داد که در قسمی از ماکولات او تصرف کند شخص مزبور تصرفات مالکانه از قبیل بیع و هبه نمیتواند بنماید فقط حق خوردن از ماکولات را خواهد داشت و صاحب مال نیز حق ندارد قیمت آنچه را که خورده شده است مطالبه نماید - بنابراین اگر بر حسب اجازه مالک از باغ انگور یا میوه‌های دیگر خورده شود صاحب باغ حق مطالبه قیمت آنرا نخواهد داشت و شخصی هم که اجازه تصرف در ثمره و میوه باغ دارد فقط حق تصرف خوردن خواهد داشت نه فروختن و هبه بغیر مگر تصریحاً با و اذن این قبیل تصرفات هم داده باشد بقیه دارد

ترجمه از قانون مدنی ترکیه از صفحه ۱۴۰ تا ۱۴۵

با تطبیق با قانون مدنی ایران و سایر قوانین شرعی

محمود کفائی

باین نحو که و اهب مالی را هبه نماید و با متهب شرط کند که در عوض آن عمل مشروعی را مجاناً بجا آورد یا مال معین را باو هبه کند در اینصورت صحت و انعقاد هبه بعوض منوط بانجام شرط مذکور است.

و هرگاه متهب عمل بشرط ننمود و اهب حق رجوع دارد و اگر کسی زمینی را بدیگری هبه کرد مشروط بر اینکه متهب در عوض زمین را آباد و یا تعمیر نماید و عین موهوبه را تسلیم نمود و پس از آن پشیمان گردید نمیتواند از هبه خود رجوع نماید -

و اگر متهب عمل بشرط نمود و عوض را بدهد و اهب حق رجوع را ندارد و در غیر هبه معوضه هرگاه عین موهوبه موجود باشد بعد از قبض آن و اهب میتواند رجوع کند - مگر در مواردیکه متهب پدر یا مادر یا اولاد متهب بوده و یا آنکه عین موهوبه از ملکیت متهب خارج شده و متعلق حق غیر واقع و یا تغییری در عین موهوبه داده باشد که در اینمورد مذکوره و اهب نمیتواند رجوع نماید.

وجود عین موهوبه را شرط صحت هبه میدانند بنا بر این هبه ثمره قبل از وجود و ظهور یا نتاج حیوانی را قبل از تولد صحیح نخواهد بود و نیز شرط صحت هبه آنست که موهوبه ملك و اهب باشد و صحت هبه فضولی منوط با اجازه صاحب مال است.

و نیز لازم دانسته اند که موهوبه معین و معلوم باشد بناءً علیه اگر کسی مقداری از دارائی و مایه ملك خود را بدون تعیین مشخصات آن هبه نمود و یا یکی از دوا سب متعلق بخود را هبه کرد صحیح نمیند.

و اگر و اهب بمتهب بگوید که هر يك از این دوا سب را بخواید بردارید و متهب در مجلس هبه یکی از دوا سبها را اختیار نماید هبه صحیح است ولی اگر متهب بعد از افتراق یکی از دوا سب را اختیار کرد صحیح نمیدانند بلوغ و رشد و اهب از شرایط اساس صحت عقد هبه است بناءً علیه هبه صغیر - و مجنون - و معوه - صحیح نخواهد بود ولی متهب